

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ و کیفیت آن

مؤلف: شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: فضیلت صلوات بر پیامبر (ص) و کیفیت آن در نزد اهل سنت

مؤلف: شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است، رحمت او بسیار است و [برای مؤمنان] دائمی می‌باشد و مالک روز قیامت است. یا الله بر محمد و آل محمد صلوات بفرست، همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی، تو بسیار ستوده‌ی بسیار بزرگوار هستی. یا الله بر محمد و بر آل محمد برکت عطا نما، همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت عطا نمودی، همانا تو بسیار ستوده‌ی بسیار بزرگوار هستی. یا الله از صحابه‌ی گرامی راضی شو! و همچنین از کسانی که از آنها به نیکی تبعیت می‌کنند، أما بعد:

نعمتهای الله تعالی بر بندگان بسیار زیاد هستند و بزرگترین نعمتی که الله متعال به دو ثقل، جن و انسان عطا نموده است، این است که در بین آنها بنده، فرستاده، خلیل، دوست و بهترین مخلوقش را مبعوث نموده است که همان محمد ﷺ می‌باشد، تا توسط او آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج نماید و آنها

از ذلت بندگی مخلوق به عزت بندگی خالق سبحانه و تعالی برساند و آنها را به سوی نجات و خوشبختی هدایت نماید و آنها را از راه‌های هلاکت و بدبختی برحذر دارد. الله ﷻ به این نعمت بزرگ و منت بسیار در کتاب عزیزش اشاره نموده است و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ [آل عمران: ۱۶۴] (همانا الله بر مؤمنان منت نهاد که در بین آنها رسولی از خودشان را مبعوث نمود تا آیات او را برای آنها بخواند و آنان را تزکیه دهد و به آن کتاب و حکمت بیاموزد و این چنین بوده است که آنها قبل از آن در گمراهی آشکاری بوده‌اند).

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [الفتح: ۲۸] (او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق

فرستاد تا آن را بر هر راه روشی چیره گرداند و گواهی الله کافی است).

پیامبر علیه افضل الصلاه و السلام رسالت را ابلاغ نمود و امت را ادا کرد و به تمام و کمال برای امت خیرخواهی نمود و [به پاداش الله تعالی] بشارت داد و [از عذاب او] ترسانند و به سوی هر خیری هدایت نمود و از هر شری بر حذر داشت، الله تعالی بر او، کمی قبل از وفاتش در عرفه نازل فرمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳] (امروز دین خود را بری شما کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و برای شما به دین اسلام راضی شدم)...

پیامبر ﷺ در کمال نهایت به سعادت امت اسلام اشتیاق داشت، همان گونه که الله تعالی در حالی که او را دوست می دارد به صفات بزرگ او اشاره نموده است و می فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ

رُوُوفٌ رَحِيمٌ» [التوبة: ۱۲۸] (همانا رسولی از خودتان نزد شما آمد، بر او سخت است که دچار مشکل شوید [و] به [منفعت] شما اشتیاق دارد [و] به مؤمنان رؤوف و مهربان است).

این رساندن ابلاغ و ادای امانت و خیرخواهی برای امت، همان حق مردم بر او می باشد، همان گونه که الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۵۴] [العنكبوت: ۱۸] (و بر رسول [تکلیفی نیست] مگر ابلاغی آشکار). همچنین می فرماید: ﴿فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [النحل: ۳۵] (پس آیا بر رسولان، [تکلیفی] جز ابلاغ آشکار وجود دارد). بخاری (بخارایی) نیز در صحیحش از زهری آورده است که او گفت: «رسالت از طرف الله است و ابلاغ برای رسول است و تسلیم شدن در برابر آن اوامر، برای ماست).

از علامتهای خوشبختی مسلمان این است که به آنچه رسول الله ﷺ آورده است، تسلیم گردد و به آن گردن نهد، همان گونه که الله تعالی می فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵] (و قسم به پروردگارت ایمان نمی آورند، مگر آن که تو را در چیزی که بین آنها اختلاف وجود دارد، قاضی قرار دهند و در خودشان سختی از حکمی که می نمایی نیابند و کاملاً تسلیم شوند). الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾ [الاحزاب: ۳۶] (و بر مرد و زن مؤمنی نیست که وقتی الله و رسولش به امری حکم نمایند، برای آنها در انتخاب امرشان اختیار وجود داشته باشد و کسی که از الله و فرستاده اش نافرمانی کند، به گمراهی آشکاری دچار شده است). الله تعالی می فرماید: ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ

بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلِيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» [النور: ۶۳] (دعوت رسول در بین تان را به مانند دعوت بعضی از شما به بعضی دیگر قرار ندهید، همانا الله کسانی از شما که بیرون می‌روند را می‌شناسد، پس کسانی که با امر او مخالفت می‌ورزند بر حذر باشند که فتنه یا عذاب دردناکی به آنها برسد)، عبادت الله تعالی فقط وقتی مورد قبول وی قرار می‌گیرد و منفعت می‌رساند که دارای دو شرط اساسی باشد: اولین آنها، عبادت برای الله تعالی به صورت خالص صورت گیرد و کسی دیگری در آن داخل نگردد، زیرا الله تعالی در پادشاهی شریکی ندارد و برای او در عبادت شدن، شریکی وجود ندارد. همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸] (و مساجد برای الله است، پس همراه الله کسی را عبادت نکنید). همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ إِن صَّلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ﴾ [الانعام: ۱۶۲] (بگو: نمازم و عبادتم و زندگی‌ام و مرگم برای الله پروردگار جهانیان است).

شرط دوم: عبادت باید موافق دینی باشد که رسول الله ﷺ آن را آورده است. همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷] (آنچه رسول به شما داده است بگیرید و از آنچه شما را نهی نموده است، خودداری کنید)، الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱] (بگو: اگر الله را دوست دارید از من تبعیت کنید، تا الله شما را دوست داشته باشد و گناهان شما را بیامزد و الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت‌کننده است). همچنین در حدیثی که بخاری (بخارایی) و مسلم از عایشه رضی الله عنها روایت کرده‌اند، فرموده است: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ» (کسی که در امر ما چیزی را وارد کند که از آن نباشد، آن رد شده، می‌باشد) و در روایت مسلم

آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» (کسی که عملی را انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، آن [عمل] رد شده می باشد). پیامبر ﷺ می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ وَعُضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَإِنَّ كُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» (بر شماست که به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته‌ی بعد از من [عمل نمایید] و آن را با دندان بگیرید و شما را از امور ایجاد شده [در دین] بر حذر می دارم، زیرا هر امر به وجود آمده‌ای بدعت است و هر بدعتی گمراهی می باشد).

از آنجا که نعمت الله تعالی بر مؤمنان که رسولش ﷺ را به نزد آنها فرستاده است، بزرگ می باشد، الله تعالی در کتابش به آنها امر فرموده است که بر او صلوات بفرستند و برای او دعای سلامتی نمایند و این بعد از آن است که با خبر می سازد که او و ملائکش بر او صلوات می فرستند. الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الاحزاب: ۵۶] (الله و ملائکش بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او صلوات بفرستید و برای او دعای سلامتی نمایید) همچنین پیامبر ﷺ در سنت پاکش، فضیلت صلوات بر وی و کیفیت آن و دیگر احکام مربوط به آن را بیان نموده است...

درباره‌ی فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ و بیان چگونگی آن مطالبی را خواهیم آورد و سپس به نمونه‌هایی از کتابهایی که درباره‌ی این عبادت بزرگ تألیف شده است اشاره می‌کنیم و از الله تعالی طلب توفیق و درستی انجام کار، می‌نماییم.

معنای صلوات بر پیامبر ﷺ و بیان چگونگی آن:

صلوات الله تعالی بر پیامبر ﷺ به معنای ستایش او از وی، نزد ملائکش می‌باشد و صلوات ملائک بر او، به معنای دعای آنها برای وی است، ابوالعالیه این گونه گفته است و آن را بخاری (بخارایی) در صحیحش در اول باب: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» آورده است و بخاری بعد از بیان معنایی که ابوالعالیه آورده است از ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده است: [ملائک] بر او صلوات می فرستند به معنای آن است که برای او دعای برکت می نمایند.

همچنین صلوات الله تعالی بر وی به معنای آمرزش و رحمت نیز آمده است، همان گونه که ابن حجر در الفتح آن را از جماعتی بیان داشته است و بعد از بیان آن، گفته است: بهترین سخنانی که در این باره آمده است از ابوالعالیه می باشد که معنای صلوات الله تعالی بر پیامبر ﷺ، ستایش وی و بزرگداشت اوست و صلوات ملائک و دیگران بر وی طلب آن [ستایش و بزرگداشت] از الله تعالی برای وی می باشد و منظور از آن زیاد شدن [رحمت و بزرگداشت] است نه این که اصل آن درخواست شود. حافظ گفته است: حلیمی در الشعب گفته است: معنای صلوات بر پیامبر ﷺ بزرگ نمودن او می باشد و معنای سخن ما: «اللهم صلی علی محمد» بزرگداشت محمد ﷺ

است و منظور از آن بزرگ نمودن وی در دنیا به بالاترین شکلی [که برای یک انسان وجود دارد] می‌باشد و همچنین چیره شدن دین او و باقی ماندن شریعت او و در آخرت با زیاد شدن ثوابش و شفاعتش برای امتش و رسیدن به مقام شایسته است و این همان منظور از سخن الله تعالی است که می‌فرماید: ﴿صَلُّوا عَلَیْهِ﴾ یعنی از پروردگارتان طلب کنید که بر وی صلوات بفرستد.

علامه ابن قیم در کتابش «جلاء الأفهام فی الصلاة والسلام علی خیر الأنام» بعد از بیان صلوات الله تعالی و ملائکش بر رسولش ﷺ و امر الله تعالی به بندگانش که بر وی صلوات بفرستند، معنا نمودن صلوات به طلب رحمت و استغفار را رد کرده است و گفته است: «بلکه صلواتی که به آن امر شده است - یعنی آیه‌ای که در سوره‌ی احزاب وجود دارد - همان طلب [نمودن چیزی] از الله [تعالی است] که [خود الله متعال آن را به او عطا نموده است و آن همان] عبارتی است که بیان می‌دارد

که او و ملائکش بر او صلوات می‌فرستند و [این صلوات فرستادن] به معنای ستایش از وی و بیان نمودن فضیلت و شرف وی و برای بزرگداشت و تقرب او می‌باشد. در اینجا مشخص شده است که آنها برای او دعا می‌نمایند و طلب انجام این دعا برای وی از طرف ما، همان صلوات ما بر وی می‌باشد و دارای دو وجه می‌باشد. یکی از آنها شامل ستایش صلوات فرستنده از وی و یاد نمودن شرف و فضیلت و خواست و محبت داشتن از طرف الله تعالی برای او می‌باشد و شامل خبر [به بزرگی وی] و دعا [برای زیاد شدن آن] می‌باشد و وجه دیگر: آن صلواتی از ما نام گرفته است، زیرا ما از الله تعالی طلب می‌نماییم که بر وی صلوات بفرستد و صلوات الله تعالی بر وی، ستایش او و بالا بردن یاد او و تقرب پیدا کردن او می‌باشد و صلوات ما بر وی، درخواست ما از الله تعالی می‌باشد که آن برای او میسر نماید».

اما معنای «التسلیم و سلام» برای پیامبر ﷺ: فیروز آبادی در کتابش «الصلوات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر» گفته است: معنای آن «السلام» - همان اسمی از اسمها الله تعالی می باشد - بر تو [ای پیامبر!] می باشد، به این مفهوم که از خیرها، برکتها بی نصیب نباشی و از بدیها و آفات سالم بمانی! وقتی آن اسم الله تعالی می باشد، فقط این یادآور می شود که تمامی خیرها و برکتها بر تو باشد و نقصان و فساد از تو دور باشد و احتمال دارد که «السلام» به معنای سلامتی باشد، بدین صورت که از الله تعالی درخواست نماید تا برای تو سلامتی قرار بدهد، یعنی از ملامتها و نقصان سالم بمانی. و اگر بگویید: «اللهم صل على محمد» توسط آن فقط می خواهی که الله تعالی برای محمد ﷺ در دعوتش و امتش و یادش، سلامتی از هر کمی و کاستی را قرار دهد، به طوری که در مرور زمان او بزرگداشته شود و امتش زیاد شود و یاد او بالاتر رود.

اما چگونگی^۱ صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ: رسول الله ﷺ وقتی اصحابش ﷺ درباره‌ی آن سوال نمودند آن را برای آنها بیان نمود و کیفیت صلوات از طرق بسیاری از صحابه ﷺ آورده شده است. از آنها آنچه در صحیحین و یا یکی از آنها آمده است را بیان می‌دارم، بخاری در صحیحش در کتاب الأنبياء از عبدالرحمن بن ابی لیلی آورده است که کعب بن عجره را دید و از او شنید: «آیا می‌خواهی هدیه‌ای به تو بدهم که آن را از پیامبر ﷺ شنیدم؟» گفتم: «بله، آن هدیه را به من بده!» گفتم: از رسول الله ﷺ سوال نمودم و گفتم: ای رسول الله! چگونه بر شما اهل بیت صلوات فرستاده شود و این در حالی است که الله [تعالی] به ما آموخته است که چگونه سلام بفرستیم» فرمود: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

^۱ - پیامبر ﷺ صلوات بر خود را به شکلهای گوناگونی بیان فرموده است که در همین مبحث خواهد آمد و به هر کدام از این اشکال مسلمان می‌تواند، صلوات بفرستد. (مترجم)

صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ،
اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى
إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله! بر محمد
و بر آل محمد صلوات بفرست همان گونه که بر ابراهیم و آل
ابراهیم صلوات فرستادی! همانا تو بسیار ستوده‌ی بسیار
بزرگوار هستی. یا الله! بر محمد و بر آل محمد برکت بفرست
همان گونه که بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت فرستادی! همانا
تو بسیار ستوده‌ی بسیار بزرگوار هستی). همچنین حدیث
کعب بن عجره را در کتاب التفسیر در صحیحش در تفسیر
سوره‌ی احزاب آورده است و لفظ او این می‌باشد: گفته شد:
ای رسول الله! سلام فرستادن بر تو را می‌دانیم، صلوات بر تو
چگونه است؟ فرمود: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ
مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ ، اللَّهُمَّ بَارِكْ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله! بر محمد و بر آل محمد صلوات بفرست،

همان گونه که بر آل ابراهیم صلوات فرستادی! همانا تو بسیار ستوده هستی. یا الله! بر محمد و بر آل محمد برکت بفرست همان گونه که بر آل ابراهیم برکت فرستادی! همانا تو بسیار ستوده‌ی بسیار بزرگوار هستی). همچنین آن را در صحیحش در کتاب الدعوات آورده است و مسلم این حدیث را از کعب بن عجره رضی الله عنه از طرق گوناگونی بیان داشته است.

بخاری (بخاری) در کتاب الدعوات در صحیحش از ابوسعید خدری رضی الله عنه آورده است که گفت: گفتیم: ای رسول الله! سلام فرستادن بر تو را می‌شناسیم، ولی چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ» (یا الله! بر محمد بندهات و فرستادهات صلوات بفرست، همان گونه که بر ابراهیم صلوات فرستادی و بر محمد و بر آل محمد برکت عطا نما! همان گونه که بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت عطا نمودی).

همچنین این حدیث را در تفسیر سوره‌ی الأحزاب نیز بیان داشته است.

بخاری در کتاب الأنبياء در صحیحش از ابوحمید ساعدی رضی الله عنه آورده است که گفتند: ای رسول الله! چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله! بر محمد و همسرانش و فرزندان‌شان صلوات بفرست! همان گونه که بر آل ابراهیم صلوات فرستادی و بر محمد و همسرانش و فرزندان‌شان برکت عطا نما! همان گونه که بر آل ابراهیم برکت عطا نمودی، همانا تو بسیار ستوده‌ی بسیار بزرگوار هستی). همچنین از او با همین لفظ در کتاب الدعوات حدیثی آورده است. همچنین این حدیث را مسلم در صحیحش از ابوحمید رضی الله عنه آورده است.

مسلم در صحیحش از ابومسعود انصاری رضی الله عنه آورده است که گفت: رسول الله ﷺ نزد ما آمد و ما در نزد سعد بن عبادہ رضی الله عنه بودیم. بشیر بن سعد به او ﷺ گفت: الله تعالی به ما امر فرموده است تا بر تو صلوات بفرستیم، چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ بعد از آن پیامبر ﷺ ساکت شد تا آنجا که آرزو کردیم که ای کاش ای سوال را نمی پرسید! سپس رسول الله ﷺ فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَالسَّلَامُ كَمَا قَدْ عَلِمْتُمْ» (یا الله! بر محمد و بر آل محمد صلوات بفرست همان گونه که بر آل ابراهیم صلوات فرستادی و بر محمد و بر آل محمد برکت عطا نما! همان گونه که بر آل ابراهیم در بین جهانیان برکت عطا نمودی. همانا تو بسیار ستوده‌ی بسیار بزرگوار هستی. و سلام دادن همان طوری است که می دانستید).

این مواردی بود که یا در صحیحین بودند و یا در یکی از آنها و از چهار صحابه روایت شده بودند: کعب بن عجره، ابوسعید خدری، ابوحمید ساعدی و ابومسعود أنصاری رضی الله عنهما. بخاری و مسلم بر تخریج آن از کعب و ابوحمید رضی الله عنهما اتفاق دارند و بخاری به تنهایی از ابوسعید رضی الله عنه روایت کرده است و مسلم به تنهایی از ابوسعید انصاری رضی الله عنه به غیر از شیخین این روایت از کعب بن عجره رضی الله عنه توسط أبوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، إمام أحمد و دارمی نیز روایت شده است و از ابوسعید رضی الله عنه توسط نسائی، ابن ماجه روایت شده است و از ابوحمید رضی الله عنه توسط أبوداود، نسائی و ابن ماجه روایت شده است و از ابومسعود أنصاری رضی الله عنه توسط أبوداود و نسائی و دارمی روایت شده است.

چگونگی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله از صحابه‌ی دیگری غیر از این چهار صحابه نیز روایت شده است و از آنها: طلحة بن عبید

الله، أبو هریره، بریده بن حصیب و ابن مسعود رضی الله عنهم
أجمعین می باشد.

این چگونگی صلوات فرستادنی است که پیامبر ﷺ آن را به
اصحابش ﷺ آموزش داد و این وقتی بود که از او پرسیدند که
چگونه بر وی صلوات بفرستند و آن بهترین شکل برای
صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ می باشد و کاملترین شکل آن
است. صلوات بر پیامبر ﷺ و آتش و صلوات بر ابراهیم ﷺ و
آتش را یکجا جمع نموده است. کسی که چگونگی صلوات بر
پیامبر ﷺ را با بیان صحابه شرح داده است، حافظ ابن حجر
است که در فتح الباری (۱۶۶/۱۱) گفته است: می گویم:
آموزش چگونگی صلوات بر پیامبر ﷺ که پیامبر ﷺ آن را به
اصحابش ﷺ آموخت و این در حالی بود که آنها خود از وی
درباره ی چگونگی صلوات سوال نمودند، معلوم می شود که او
برترین و باسرفترین نوع آن را برای خود انتخاب نموده است
و معلوم می شود که می توان قسم خورد که انجام برترین

صلوات بر وی از امور نیک است. سپس نووی درست آن را در «الروضة» بیان می‌دارد و شکل‌های دیگر آن را بیان می‌نماید و از روایاتی که به شکل‌های مختلف آمده است، معلوم می‌شود که چنین عملی - یعنی صلوات - از امور نیک می‌باشد، سپس می‌گوید: آنچه چیزی که دلیل می‌شود که صلوات عمل نیکی است، همان حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که می‌گوید: کسی که دوست دارد، ترازوی [اعمال] ما سنگین‌تر شود، وقتی بر ما صلوات می‌فرستد، بگوید: «اللهم صلی علی محمد النبی وأزواجه أمهات المؤمنین وذریته وأهل بیته کما صلیت علی إبراهیم...» (یا الله! بر محمد و بر همسرانش که مادران مؤمنان هستند و بر فرزندان و اهل بیتش صلوات بفرست، همان گونه که صلوات فرستادی بر ابراهیم...) والله أعلم.

پیشینیان صالح و محدثان آنها صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را به دو شکل کوتاه بیان نموده‌اند، یکی از آنها «صلی الله علیه وسلم» (الله بر او صلوات و سلام بفرستد) و دیگری: «علیه الصلاة

والسلام» (بر او صلوات و سلام باشد) است. این دو شکل به شکر الله تعالی، کتابهای حدیث را پُر نموده‌اند و آنها در تألیفاتشان آورده‌اند که این شکل صلوات فرستادن باعث حفظ و نگهداری آن به شکل کامل می‌شود و باید سلام و صلوات بر پیامبر ﷺ را همراه هم بیان نمود. امام ابن صلاح در کتابش «علوم الحدیث» گفته است: شایسته‌ی اوست - یعنی کاتب حدیث - که در نوشته‌اش صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ را بیان دارد و آن هنگام یاد نام او می‌باشد و نباید از تکرار آن خسته شود، زیرا آن از بزرگترین فائده‌هایی است که به دانش آموزان حدیث و نویسندگان آن می‌رسد و کسی که از آن غافل شود، حرام بزرگی را مرتکب شده است - تا آن که گفته است - : در آوردن آن باید از دو ایراد خودداری کرد: یکی از آنها آن کوتاه و به شکل رمز آوردن است، به مانند دو حرف یا مانند آن و دیگری: آن کوچکتر نوشته شود و واژه‌ی

«وسلم» در آن ذکر نشود و اگر آن در نوشته‌ی متقدمین یافت شود، ایراد بر انجام ندادن آن، از بین می‌رود.

نووی در کتاب «الأذکار» گفته است: اگر کسی بر پیامبر ﷺ صلوات فرستاد، باید صلوات و سلام را باهم بیاورد و نباید به کوتاه کردن آن به یکی از آنها اکتفا کند، نباید فقط بگوید: «صلی الله علیه» یا فقط بگوید: «علیه السلام».

این از ابن کثیر در پایان تفسیر آیه‌ی سوره‌ی احزاب نقل شده است و او گفته است: اگر این گونه گفته شود، از این آیه‌ی گرامی جدا شده است که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ و سزاوارتر این است که گفته شود: «صلی الله علیه وسلم تسلیما».

فیروزآبادی در کتابش «الصلوات والبشر» گفته است: شایسته نیست که صلوات به صورت رمز بیاید، همان گونه که بعضی از اشخاص تنبل، جاهل و عوام این گونه می‌نویسند: «صلعم» و آن را به جای «صلی الله علیه وسلم» بیان می‌دارند.

فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ:

درباره‌ی فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ احادیث بسیاری آمده است که حافظ اسماعیل بن إسحاق قاضی در کتابش آن را آورده است و حافظ ابن حجر در فتح الباری نزد شرحش بر حدیث چگونگی صلوات بر پیامبر ﷺ که بخاری آن را در کتاب الدعوات در صحیحش آورده است آن را بیان نموده است. حافظ ابن حجر از اهل شناخت کامل به حدیث و اطلاع گسترده به آن می‌باشد. من در اینجا آنچه درباره‌ی فضیلت آن از ابن حجر رحمه الله (۱۱ / ۱۶۷) آمده است را بیان نموده‌ام. او استدلال کرده است، از آنجا که امر الله تعالی به آن می‌باشد و صحابه رضی الله عنهم توجه خاصی به چگونگی آن داشتند و احادیثی قوی وجود دارد که بخاری ذره‌ای از آن را بیان نداشته است، صلوات بر پیامبر ﷺ دارای فضیلت می‌باشد.

از آنها حدیثی است که مسلم از ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ صَلَّى عَلَى وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا»

(کسی که بر من یک صلوات بفرستد، الله [تعالی] بر او ده صلوات می‌فرستد) و برای آن شاهی از انس رضی الله عنه نزد احمد، نسائی و صحیح ابن حبان است و همچنین از ابی بردة بن نبار و ابی طلحة هر دو نزد نسائی و راویان آن دو ثقه است و لفظ ابی بردة این گونه است: «من صلی علی من أمتی صلاةً مخلصاً من قلبه صلی الله علیه بها عشر صلوات و رفعه بها عشر درجات و کتب له بها عشر حسنات و محاه عنه عشر سيئات» (کسی از امت من که بر من صلواتی با قلبی خالصانه بفرستد، الله [تعالی] بر او ده صلوات می‌فرستد و توسط آن درجات او را ده مرتبه بالا می‌برد و برای او ده حسنه می‌نویسد و ده بدی را از او پاک می‌کند) و لفظ ابی طلحة نزد او به همین شکل آمده است و ابن حبان آن را صحیح دانسته است. از آنها حدیث ابن مسعود رضی الله عنه است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إن أولى الناس بی يوم القيامة أكثرهم علی صلاة» (سزاوارترین مردم به من در روز قیامت کسانی هستند که بیشتر بر من صلوات

فرستاده‌اند). ترمذی آن را حسن دانسته است و ابن حبان آن را صحیح دانسته است و نزد بیهقی برای آن شاهی از ابوامامه با این لفظ می‌باشد: «صَلَاةُ أُمَّتِي تُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ، فَمَنْ كَانَ أَكْثَرَهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً كَانَ أَقْرَبَهُمْ مِنِّي مَنْزِلَةً» (صلوات امت من هر روز جمعه به من عرضه می‌شود، و کسی از آنها که بیشتر به من صلوات فرستاده باشد، نزدیک‌ترین منزلت را به من دارد). ایرادی در سند این حدیث وجود ندارد. همچنین امر به صلوات در روز جمعه آمده است که در حدیثی از اوس بن اوس آمده است و آن نزد احمد، ابوداود آمده است و آن را ابن حبان و حاکم صحیح دانسته‌اند.

از آنها این حدیث است که پیامبر ﷺ فرموده است: «الْبَخِيلُ مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ» (بخیل کسی است که من نزد او یاد شوم و بر من صلوات نفرستد) آن را ترمذی، نسائی، ابن حبان، حاکم و إسماعیل القاضی آورده‌اند و طرق زیاد آن و

اختلاف با حدیث علی علیه السلام و حدیث پسرش حسین علیه السلام را بیان داشته است و کمتر از درجه‌ی حسن معرفی نشده است. از آنها این حدیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَى خَطِئِ طَرِيقِ الْجَنَّةِ» (کسی که صلوات بر من را فراموش کند، در راه بهشت اشتباه کرده است). آن را ابن ماجه از ابن عباس رضی الله عنهما و بیهقی در الشعب از ابوهریره رضی الله عنه و ابن ابی حاتم از جابر رضی الله عنه و طبرانی از حسین بن علی رضی الله عنهما روایت کرده‌اند و طرق آن صحت درجه‌ی سند حدیث را قوی می‌کند.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عَنْدهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ» (بینی کسی به خاک مالیده شود که من نزد او یاد شوم و او بر من صلوات نفرستد). آن را ترمذی از ابوهریره با این لفظ آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود [که جبرئیل علیه السلام به من گفت]: «مَنْ ذُكِرْتَ عَنْدهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ دَخَلَ النَّارَ، فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (کسی که تو نزد وی یاد شوی و بر

تو صلوات نفرستد، داخل آتش جهنم می شود و الله او را از خود دور می نماید). برای آن شاهی نزد وی است و حاکم آن را صحیح دانسته است و برای آن شاهی از ابوذر رضی الله عنه نزد طبرانی می باشد و شاهی دیگر از انس رضی الله عنه نزد ابن ابی شیبۀ است و حدیث دیگری است که مرسل می باشد و از حسن بصری نزد سعید بن منصور می باشد و ابن حبان آن را از ابوهریره رضی الله عنه و مالک حویرث رضی الله عنه روایت کرده است و از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما نزد طبرانی آمده است و از عبد الله بن جعفر نزد فریابی آمده است و نزد حاکم از کعب بن عجره رضی الله عنه با این لفظ آمده است: جبرئیل علیه السلام به من گفت: «بَعْدَ مَنْ ذُكِرْتَ عَنْدهُ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ» (چه دور است کسی که تو نزد وی یاد شوی و بر تو صلوات نفرستد) و نزد طبرانی از جابر رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: [جبرئیل علیه السلام به من گفت]: «شَقَى عَبْدٌ ذُكِرْتَ عَنْدهُ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ» (بنده ای بدبخت است که تو نزد وی یاد شوی و او بر تو صلوات

نفرستد) و همچنین نزد عبد الرزاق به صورت مرسل از قتاده آمده است: «من الجفاء أن أذكر عند رجل فلا يصلی علی» (از روی ستم است که نزد شخصی یاد شوم و بر من صلوات نفرستد).

از آنها حدیثی است که ابی بن کعب رضی الله عنه روایت کرده است: «مردی گفت: ای رسول الله! من صلوات زیاد می فرستم (دعا زیاد می کنم)، چه مقدار از آن را برای تو قرار دهم؟ فرمود: «هر چه می خواهی» گفت: یک سوم. فرمود: «اگر آن را زیاد کنی بهتر است - تا آن که گفت: تمام صلوات خود را برای تو قرار می دهم. فرمود: «إِذَا تُكْفَى هَمَّكَ» (در آن صورت کوشش تو، کافی می شود [و گناهانت آمرزیده می گردد]). حدیث را احمد و [ترمذی] و دیگران با سند حسن روایت کرده اند.

این احادیث محکمی است که وارد شده و در این باره احادیث ضعیف و واهی نیز زیاد می باشد. و کسی که به دنبال آن باشد،

تعداد آنها را نمی‌تواند بشمارد و در بین آنها احادیث صحیح و بی‌نیاز از این امر زیاد می‌باشد. در اینجا سخن حافظ ابن حجر رحمه الله تمام شد. منظور از صلوات در حدیث ابی بن کعب که گفته است: چه مقدار از صلوات خود را برای تو بگذارم، منظور دعا کردن می‌باشد.

آنچه درباره‌ی صلوات بر پیامبر ﷺ تألیف شده است:

علماء به این عبادت بزرگ توجه خاصی داشته‌اند و کتابهایی در این زمینه تألیف نموده‌اند، اولین کسی که من می‌شناسم در این زمینه تألیف داشته است، امام إسماعیل ابن إسحاق قاضی است که در سال ۲۸۲ هـ ق وفات نموده است و نام کتاب او، «فضل الصلاة على النبي صلى الله عليه وسلم» می‌باشد و با تحقیق شیخ محمد ناصر الدین آلبنی به چاپ رسیده است و شامل صد و هفت حدیث است که تمامی آنها متصل می‌باشند. از کتابهای چاپ شده و متداول در این باره کتاب «جلاء

الأفهام فی الصلاة والسلام علی خیر الأنام» از علامه ابن قیم و کتاب «الصلوات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر» از فیروز آبادی صاحب «القاموس» است و همچنین کتاب «القول البدیع فی الصلاة علی الحبيب الشفیع» از سخاوی که در سال ۹۰۲ هـ قوفات یافته است و کتاب خود را با بیان کتابهایی که درباره‌ی صلوات بر پیامبر ﷺ نوشته شده است، به پایان رسانده است و تعداد بسیاری از این کتابها را یاد نموده است و پنجمین آنها به ترتیب کتاب «جلاء الأفهام» از ابن قیم می- باشد و ارزش بالای هر کدام از آنها را بیان نموده است و گفته است: «به طور کلی نیکوترین آنها و پُر فایده‌ترین آنها پنجمین آنها می‌باشد که همان کتاب ابن قیم است». می‌گوییم: در حقیقت آن کتابی درست است که مؤلف آن احادیثی را از پیامبر ﷺ درباره‌ی این عبادت بزرگ بیان داشته است و درباره‌ی صحیح و ضعیف و فهم و استنباط آن سخن به میان آورده است و در مقدمه‌ی آن گفته است: این کتابی منحصر به

فرد است که قبل از آن به مانند آن، در زیاد بودن فایده و شمولیت آن وجود نداشته است در آن احادیث وارده درباره‌ی صلوات و سلام بر پیامبر ﷺ آمده است و صحیح آن از حسن و معلول آن جدا شده و معلول آن را از علل آن بیان داشته شده است، [کتابی] شفا دهنده است و بعد از آن اسرار این دعا و شرف آن آمده است و در آن حکم و فواید آمده است و بعد از آن محلله‌ای صلوات بر پیامبر ﷺ و در جاهایی که گفتن آن ناممکن است، بیان شده است، سپس سخن از مقدار واجب بودن آن و اختلاف اهل علم درباره‌ی آن، به میان آمده است و قول ارجح (ترجیح داده شده) بیان شده است و قولهای ضعیف- تر روشن شده است و در کتاب به بالاترین شکل توصیف صورت گرفته است و الحمد لله رب العالمین.

آنچه درباره‌ی صلوات بر پیامبر ﷺ برای غیر اهل علم نوشته شده است و مشتمل بر فضایل و چگونگی صلوات بر پیامبر ﷺ می‌باشد و به محکمی سخن گفته است، کتاب «دلائل

«الخیرات» از جزولی است که در سال ۸۵۴ هـ ق نوشته شده است و در بسیاری از مناطق روی زمین انتشار یافته است. درباره‌ی آن نویسنده‌ی «کشف الظنون» (۱/۴۹۵) گفته است:

«کتاب «دلائل الخیرات و شوارق الأنوار فی ذکر الصلاة علی النبی المختار علیه الصلاة والسلام» اول با این شروع کرده است که الله را شکر می‌کنیم که ما را به ایمان هدایت نموده است... تا آخر. و آن از شیخ أبی عبد الله محمد بن سلیمان بن أبی بکر جزولی سملالی شریف حسنی است که در سال ۸۵۴ هـ ق وفات یافته است و این کتاب نشانه‌ای از نشانه‌های الله [تعالی] درباره‌ی صلوات بر پیامبر ﷺ می‌باشد و در مغربها و مشرقهای زمین به خواندن آن توجه شده است، مخصوصا در سرزمین روم». سپس به بعضی از شرح‌های این کتاب اشاره نموده است.

می‌گوییم: عده‌ی بسیاری از مردم، اقبال این را نمی‌یابند که صلوات خود را بر اساس چیزی قرار دهند که به آن اعتماد

شده است و فقط در بین آنها تقلیدی جاهلانه از بعضی برای بعضی دیگر می‌باشد و [در نتیجه صلوات بر پیامبر ﷺ را به شکلی می‌گویند که صحیح نمی‌باشد] امر این گونه است همان گونه که شیخ محمد الخضر بن مایابی شنفیطی در کتابش «مشتهی الخارف الجانی فی رد زلقات التجانی الجانی» در رد بر تجانی گفته است: «مردم مشتاق به دوست داشتن امور پیش آمده هستند و آنها را در حالی می‌یابی که دائماً به صلوات‌هایی که در راه‌های خیر وجود دارد و آنها به چشم می‌بینند، رغبت دارند. به دست عده‌ی زیادی از آنها [صلوات] با سند صحیح به اثبات نرسیده است و به صلواتی که از پیامبر ﷺ در صحیح بخاری آمده است، توجهی ندارند. پس بگو: آیا یکی از بزرگان اهل علم را یافته‌ای که این [ذکر را] این گونه بیان داشته است و یا آن که فقط از روی حرص و آز، این ذکر را این گونه بیان می‌داری؟ اگر منظورت فقط فضیلت آن است، پس باید بدانی که فضیلت چیزی است که از

عالمی فاضل آن به ما رسیده باشد. و روش صلوات بر پیامبر ﷺ همان گونه می باشد که وقتی از او سوال شد چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ او فرمود: بگوئید: او کسی است که از روی هوای نفس صحبت نمی کند و فقط چیزی را می - فرماید که بر وی وحی شده است و این صلواتی که تو می - گویی حدیث صحیح درباره ی آن وارد نشده است، بلکه شاید آن چیزی باشد که از مردی به ظاهر صالح بیان شده باشد».

شکی نیست که آنچه در سنت و انجام آن توسط صحابه ی گرامی و کسانی که از آنها به نیکی تبعیت می کنند آمده است، همان صراط مستقیم و منهج استوار است و کسی که آن را برگیرد فایده می برد و کسی که آن را منتفی بداند، ضرر خواهد نمود. از پیامبر ﷺ در حدیث متفق علیه که عایشه رضی الله عنها آن را روایت کرده است، آمده است: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ» (کسی که در امر ما چیزی را وارد کند که از آن نباشد، آن رد شده می باشد) و در روایت مسلم

آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» (کسی که عملی را انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، آن [عمل] رد شده می‌باشد) و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ وَعَضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَإِنْ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» (بر شماست که به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته‌ی بعد از من [عمل نمایید] و آن را با دندان بگیرید و شما را از امور ایجاد شده [در دین] برحذر می‌دارم، زیرا هر امر به وجود آمده‌ای بدعت است و هر بدعتی گمراهی می‌باشد).

همچنین پیامبر الصلاة والسلام امتش را از غلو نمودن درباره‌ی وی نهی نموده است و در حدیث صحیح فرموده است: «لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ فَقُولُوا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ» (در مدح و ستایش من، افراط نکنید آن طور که مسیحیان درباره‌ی عیسی بن مریم، افراط کردند. همانا من فقط، بنده‌ی او هستم. پس بگویید: بنده‌ی الله و فرستاده‌ی او).

وقتی مردی به او گفت: آنچه الله و تو بخواهید، پیامبر علیه الصلاة و السلام فرمود: «أَجَعَلْتَنِي لِلَّهِ نَدًا؟ مَا شَاءَ اللَّهُ وَحْدَهُ» (آیا مرا برای الله [متعال] شریکی قرار دادی؟ [فقط بگو]: آنچه الله به تنهایی خواست).

کتاب «دلائل الخیرات» شامل احادیث درهم و برهم است و در آن به امور ممنوع اجازه داده شده است. در آن احادیث موضوع و ضعیف وجود دارد که از حد ممنوع تجاوز کرده است و آن امری بر حذر شده می باشد که الله تعالی و فرستاده اش ﷺ به آن راضی نمی شوند و آن امری ناپسند بوده و در منهج کسانی که در نیکی سبقت می گیرند، موجود نمی باشد.

در اینجا کافی می بینم که بعضی از مثالهایی که درباره ی چگونگی صلوات و سلام بر پیامبر گرامی صلی الله و سلم و بارک علیه و علی آله و أصحابه و أتباعهم یا حسان إلی یوم الدین به صورت بدعت آمده است، اشاره کنم. در آن به

احادیثی موضوع^۱ به عنوان نمونه اشاره می‌کنم که درباره‌ی فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ آمده است. مواردی که زبان گرمی ایشان از گفتن آن پاک می‌باشد و از آنها این موارد هستند:

«یا الله بر محمد و بر آل محمد صلوات بفرست به گونه‌ای که چیزی از صلوات [برای کسی دیگر] باقی نماند و به محمد و آل محمد رحم نما به طوری که چیزی از رحمت [برای کسی دیگر] باقی نماند و بر محمد و بر آل محمد برکت عطا نما! به طوری که چیزی از برکت [برای کسی دیگر] باقی نماند و سلامتی بر محمد و بر آل محمد قرار بده به طوری که چیزی دیگر از سلامتی [برای کسی دیگر] باقی نماند).

^۱ - حدیث موضوع حدیثی است که ثابت شده است: راوی آن به پیامبر ﷺ دروغ بسته است و هیچگونه ارزشی این حدیث ندارد. (مترجم)

در صفحه‌ی ۷۱ گفته است: «یا الله بر سرور ما محمد، دریای نورهایت و معدن اسرار و زبان حجت و داماد پادشاهی‌ات و امام حضورت و خزائن رحمت صلوات بفرست... انسانی که سرچشمه‌ی وجود است و سبب هر موجودی می‌باشد...».

در صفحه‌ی ۶۴ گفته است: «یا الله! صلوات بفرست بر کسی که از نور او شکوفه‌ها شکفته‌اند... یا الله! صلوات بفرست بر کسی که درختان از بقیه‌ی آب وضوی او سبز شده‌اند. یا الله بر کسی صلوات بفرست که از نور او همه‌ی نورها گسیل شده‌اند».

در صفحات ۱۴۴ و ۱۴۵ گفته است: «یا الله! بر محمد و بر آل محمد صلوات بفرست آنچنان که کبوترها را به صدا در می‌آوری و غیرتها را بر می‌انگیزی و چهارپایان را روزی می‌دهی و با تمیمه‌ها منفعت می‌دهی و عمامه‌ها را محکم می‌داری و خواب رفته‌ها را می‌خوابانی».

نمونه‌هایی از احادیث موضوع:

مثالهایی از احادیث موضوع و خیلی ضعیف را بیان می‌دارم که بعضی از اهل علم آن را گفته‌اند و آنها برای مثال زدن می‌باشند و شامل تمامی آنها نیستند.

در صفحه‌ی ۱۵ گفته است: از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: کسی که یک صلوات برای بزرگداشت من از روی حق من بگوید، الله ﷻ از آن سخن برای او فرشته‌ای خلق می‌فرماید که یک بال او در مشرق است و دیگری در مغرب و پاهای او در زیر زمین هفتم و گردنش زیر عرش است، الله ﷻ می‌فرماید: بر بنده‌ی من صلوات بفرست، همان گونه که بر پیامبر من صلوات فرستاد و او تا روز قیامت بر او صلوات می‌فرستد.

در صفحه‌ی ۱۶ گفته است: پیامبر ﷺ فرمود: بنده‌ای نیست که بر من صلوات بفرستد، مگر آن که آن صلوات سریعاً از دهان او خارج می‌شود و زمینی و دریایی و شرقی و غربی را باقی

نمی‌گذارد، مگر آن که از آن عبور می‌کند و می‌گوید: من صلوات فلان شخص پسر فلان شخص می‌باشم که بر محمد انتخاب شده‌ی بهترین مخلوق الله فرستاده است و چیزی را باقی نمی‌گذارد، مگر آن که به آن می‌رسد و از آن صلوات پرنده‌ای آفریده می‌شود که دارای هفتاد هزار بال است و هر بال دارای هفتاد هزار پر است و در هر پر هفتاد هزار صورت است و در هر صورت هفتاد هزار دهان و در هر دهان هفتاد هزار زبان، [تمامی] آنها الله تعالی را با هفتاد هزار زبان [مثل فارسی و عربی و ...] تسبیح می‌گویند و ثواب آن برای آن شخص [صلوات فرستاده] است.

این دو حدیث از احادیث کتاب «دلائل الخیرات» آورده شده است، این قول علامه ابن قیم رحمه الله در کتابش «المنار المنیف» در مورد آنها مصداق پیدا می‌کند: «در احادیث موضوع، تاریکی سستی و جسارت وجود دارد که بر وضع شدن آن [به دروغ] و اختلاف آن با [احادیث صحیح] دلالت

دارد». سپس برای مثال چند حدیث را آورده است و بعد از آن گفته است:

فصل: ما هشدار می دهیم به کلیاتی که از آن حدیث موضوع شناخته می شود و از آنها بیان مسائلی است که در آن جسارتی وجود دارد که رسول الله ﷺ به مانند آن را نگفته است و آنها خیلی زیاد می باشند. مانند آن که در حدیثی دروغی آمده است: کسی که لا اله الا الله بگوید، الله [تعالی] از آن کلمه، پرنده ای را خلق می کند که دارای هفتاد هزار زبان است و برای هر زبان، هفتاد هزار زبان [های مختلف مثل عربی و فارسی و ...] وجود دارد که برای آن شخص طلب آمرزش می کنند. یا کسی که این چنین و آن چنان انجام دهد، در بهشت، هفتاد هزار شهر به او داده می شود و در هر شهر هفتاد هزار قصر وجود دارد و در هر قصر هفتاد هزار حوری می باشد و به مانند این جسارتها که از معلوم الحال بودن روایان وضع کننده می باشد، بر دو امر قرار دارند: گاهی از نهایت

جهل و حماقت می‌باشند و گاهی از کافری که قصد نقصان وارد کردن به رسول ﷺ را دارد و با این سخنان به هدف خود می‌رسد.

از کسانی که درباره‌ی باطل بودن چنین احادیثی در بین معاصران مطلبی را بیان داشته است، أبو الفضل عبدالله صدیق غماری است که بر تعلیقش بر کتاب «بشارة المحبوب بتكفير الذنوب» از أذرعی ص ۱۲۵ گفته است:

هشدار: در بسیاری از احادیث آمده است که کسی که فلان عمل را انجام دهد از آن عمل الله [تعالی] فرشته‌ای را می‌آفریند که تسبیح می‌گوید و یا الله [تعالی] را شکر می‌نماید. تمامی این احادیث باطل هستند. در اینجا گفته است: برای کتاب «دلائل الخیرات»، ستایش زیادی وجود دارد زیرا در آن مسائل دینی را آورده است که بر ذهن خطور می‌کند و آنان را به طوری توصیف نموده است که به مانند عبور خورشید [واضح] است.

درست می‌دانم که در پایان این محاضره، تکه‌ای را بیاورم که درباره‌ی شرح حدیث کعب بن عجره رضی الله عنه نوشته شده است و آن درباره‌ی چگونگی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و آن نوزدهمین حدیث از بیست حدیثی است که آن را در بین احادیث صحیح مسلم جدا کرده‌ام و تحت عنوان: «عشرون حدیثاً من صحیح مسلم در اسائه آسانیدها و شرح متونها» چاپ شده است. این قطعه سخن این است:

کعب بن عجره رضی الله عنه به ابن ابی لیلی گفته است: «آیا هدیه‌ای به تو دهم... (بقیه همان طور که در قبل آمد)» این دلیلی می‌باشد بر این که احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و شناخت سنتش صلی الله علیه و آله و تطبیق دادن آن به خود، از نفیس‌ترین مسائل نزد آنها بوده است و نزد آنها محبوب‌ترین چیز بوده است و به همین دلیل کعب رضی الله عنه این گونه سخن گفت تا ابن ابی لیلی را آماده نماید که فهم خود را به کار بندد و نفسش را برای برخورد با آن آماده نماید و با کمال دقت به آن گوش دهد. پیشینیان رضی الله عنهم بر سنت

پیامبرشان ﷺ توجه خاصی داشته‌اند و برای آن اشتیاق زیادی داشته‌اند و این از نفیس‌ترین هدیه‌های آنها بوده است، تا آنجا که محبت آن را در قلبهایشان استوار نموده بودند و بر تطبیق دادن آن به شدت مشتاق بوده‌اند. آنان سروران امت بوده‌اند، مورد توجه تمامی مردم دنیا بوده‌اند و پیروزی بر دشمنان همراه آنها بوده است و آن دلیلی بر شوکت و عظمت و چیرگی اسلام بوده است، همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَنْصُرُكُمْ وَيُثَبِّتُ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: ۷] (شما را یاری می‌نماید و قدمهای شما را استوار می‌گرداند) و برعکس آن چیزی است که امروزه آن را مشاهده می‌کنیم، واقعیت دردناک مسلمانان این گونه است که دچار خواری و فرقه فرقه شدن شده‌اند و نسبت به یادگیری دین بی‌اعتنا هستند و از آن دور شده‌اند، مگر کسی که الله تعالی او را مورد رحمت قرار داده است و تعداد آنها کم می‌باشد، وقتی این گونه هستند، دشمنان آنها، آنان را به حساب نمی‌آورند و برای آنها کمترین ارزشی قائل نیستند و

آنان با وجود آن که گذشتگانسان با ارزش بودند و بر دشمنانشان پیروز بودند و با دستان آنها فرزندانسان تربیت پیدا کرده بودند، اکنون دچار کاستی شده‌اند. اگر انسان عاقل بر چیزی که این حدیث شریف بر آن قرار دارد تفکر نماید، می‌فهمد که ارزش سنت پیامبر ﷺ در درون پیشینیان صالح و بزرگداشت آن در جانهایشان، از نفیس‌ترین هدایای آنها بوده است. سپس نگریسته شود به بسیاری از مردم امروز که خود را به اسلام نسبت می‌دهند و این در حالی است که نسبت به دین، بی‌اعتنا هستند و برای وضع قوانین به غیر آن رو می‌کنند. می‌گوییم: اگر عاقل به احوال آنان (پیشینیان صالح) و احوال اینان (مسلمانان امروز) بنگرد، رمزی را می‌یابد که توسط آن پیشینیان صالح بر دشمنانشان پیروز می‌شدند و این در حالی بود که تعداد آنها کم بود و این در حالی است که مسلمانان امروز در برابر دشمنانشان شکست می‌خورند، با وجود آن که تعداد آنها در برابر دشمنان زیاد می‌باشد. امری

امور مسلمانان را درست نمی‌کند، مگر آن که آنها به کتاب عزیز الله تعالی و سنت پاک پیامبر ﷺ رجوع کنند و قوانین را بر اساس آن بیان دارند و کالای بی‌ارزشی را که از آن سوی مرزها می‌آید رها سازند و نفسهایشان را توسط آن دو پاک نمایند و وطنهایشان را آراسته دارند.

از الله الکریم پروردگار عرش بزرگ درخواست می‌نمایم تا به تمامی مسلمانان چه حاکم و چه زیردست توفیق دهد که به کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان محمد ﷺ رجوع کنند، تا اسباب یاری و پیروز شدن بر دشمنان برای آنها مهیا شود، همانا او شنوای اجابت کننده است و الحمد لله رب العالمین، اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم إنک حمید مجید. اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم إنک حمید مجید.